

📄 نقل قول

اثر انگشت خودتان را پیدا کنید

هادی حجازی‌فر، کارگردان و بازیگر مطرح تئاتر و سینما گفت: من لهجه دارم و تا چند سال پیش سعی می‌کردم آن را از بین ببرم و جلوی خیلی از جریان‌ها، آدم‌ها و فیلم‌ها مرعوب بومد. من تلاش می‌کردم این ویژگی‌ها را از بین ببرم ولی بعدها تلاش کردم بر همان تکیه کنم، چون این اثر انگشت من است. من این اثر انگشت را در خوی، در کودکی خودم و روی درخت‌های خانه‌مان پیدا کردم. این برای من یک سرمایه بود و باعث شد اعتمادبنفس پیدا کنم، بچگنم و تبدیل به چیزی شوم که شکل خودم است. اگر هر کسی بتواند اثر انگشت خود را پیدا کند، موفق می‌شود. فیلم دیدن و کتاب خواندن خوب است اما به شرط آنکه مقهور و مرعوب آن نشویم.

دکتر سید محمد مجتهد تبریزی

بیتی از حافظ به یاداستاد محبوب

بهرام گرامی، از استادان برجسته کشاورزی و نویسنده کتاب «گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی» با مرور خاطرهای از سال‌های جوانی بیان کرد: هفتماه‌ای یک مرتبه کلاس محمدجعفر محبوب در محوطه دانشگاه برگزار می‌شد. من هم از راه دور می‌رفتم، حالا گفتن ندارد، ولی آن قدر راهم دور بود که یک بار با دکتر محبوب حساب کردیم، این بیتی‌ترمی را که من رفتم، به اندازه این است که از سانفرانسیسکو، از کنار اقیانوس کبیر تانیویورک که کنار اقیانوس اطلس است، بروم به نگراس و برگردم، یعنی این‌قدر برای رفتن سر این کلاس رانندگی کردم!این‌قدر علاقه‌مند بومد.در یکی از جلسات، نوارش هم در امریکا موجود است.دکتر محبوب یک بیت شعر از حافظ خواند و معنی کرد، به همین دلیل من هر جا سخنرانی کنم، حتی اگر راجع به عطر باشد یا مولوی یا فردوسی، باز من این بیت را به احترام دکنتر محبوب آنجا می‌خوانم. شعر این بود: «رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست انهد به پای قدح هر که شش در دارم.»

دکتر سید محمد مجتهد تبریزی

مسیر جدید کیارستمی برای سینما

سلیم اوجی، کارگردان مشهور ترکیه که برای برگزاری مستر کلاس در ایران حضور دارد، به نقد سرمایه‌داری در سینما پرداخت و گفت: در آیینه نگاه کردن کار ساده‌ای نیست. سربال‌هایمانند ترابی عمل می‌کنند چراکه واقعیت ندارد، البته معتقدم باید راه خودشان را ببرند و ما با آنها کاری نداریم. متأسفانه سیستم کپی‌تالیسم در حال ورود به همه جااست. در آن زمان سینما براساس چیدمان پیش می‌رفت اما عباس کیارستمی جلوی این نگاه‌ها ایستاد و ریسک کرد، او کاراکترهای واقعی را مقابل دوربین قرار داد. پس از کیارستمی مسیر جدیدی در سینما ایجاد شد تا فقه‌های گوناگون را به چیزهای بزرگ تبدیل کند. نوری بیلگه‌چیلان هم در سینمای ترکیه این جهت را ایجاد کرده است. اصلا بلد نیستیم با پخش کنندهما کار کنیم. آنها مانند صیادهای ماهی هستند که فقط به دنبال منفعت خودشان هستند

دکتر سید محمد مجتهد تبریزی

غربی‌ها دوست دارند

از اسماعیلیه یک داستان جنایی بسازند

مهدی فدایی‌مهربانی، مترجم و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد، ما با تصویرهایی کلیشه‌ای از اسماعیلیه مواجهیم. اخیراً سربال «حشاشین» ساخته شد که به نظر من کاری مبتدل و جاذب است. به عبارتی در این سربال با گزارشی غیر تاریخی مواجه هستیم. از سوی دیگر مسئله اصلی در این سربال حمله به اسماعیلیه نیست بلکه حمله اصلی به شیعیان و چه بسا حمله به ایران است. این سربال مدام به ایران ارجاع می‌دهد، اینکه ایرانی‌ها فرهنگ باطن و مرموزی دارند که ذات آن خشونت و تروریسم است. برای افرادی چون هاجسبن، ابولوف و کریبن که اسماعیلیه‌پژوه‌های مهمی بودند این حرف‌ها مضحک است. کریبن می‌گوید: غربی‌ها خیلی دوست دارند از اسماعیلیه یک داستان جنایی نشان دهند. فلاسفه بزرگی که در سنت اسماعیلیه حضور دارند غیر قابل انکار هستند. چه بسا فلاسفه اسلامی با اسماعیلیه شروع می‌شود. فلاسفه بزرگ ما حتی این سینما هم منسوب به اسماعیلیه هستند.

دکتر سید محمد مجتهد تبریزی

آنرولد جوزف توین‌بی یک تاریخ‌نگار و فیلسوف برجسته انگلیسی‌بود که بیشتر به دلیل آثارش در زمینه تاریخ و تمدن‌های بزرگ شناخته می‌شود. وی در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۸۸۹ به دنیا آمد و در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۵ درگذشت.

توین‌بی بیشتر به خاطر مجموعه ۱۲ جلدی خود با عنوان «مطالعه تاریخ» مشهور است که در آن به بررسی چگونگی ظهور و سقوط تمدن‌های مختلف جهان پرداخته است. کتاب «مورخ و تاریخ» او نیز شامل دوازده گفت‌وگو رادیویی بین آنرولد توین‌بی و جرواریان برای رادیو اپرای آزاد است. این کتاب کوچک در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست «رہبانی» نام دارد و بحث‌های چون علم یا هنر بودن تاریخ، نقش مورخ، قانونمند یا یگه‌روند بودن تاریخ، بی‌طرف بودن تاریخ‌نویس مورخ، و گفت‌وگو درباره وضعیت تمدن‌ها و روزگار امروز بشر را در بر می‌گیرد. بخش دوم «الگوها» است و در آغاز به فراز و نشیب تمدن‌ها می‌پردازد و در ادامه، بخش عمده آن به مسائل جهان پس از جنگ جهانی دوم اختصاص دارد. این کتاب با ترجمه حسن کامشاد و از سوسی انتشارات تاریخی منتشر شده است. توین‌بی در آثارش نظریه‌ای در مورد چگونگی

هنر و ادبیات

کرده سینما و ادبیات ۸۵۲۳۰۶۰

مروری بر کتاب‌هایی که رهبر معظم انقلاب به تازگی بر آنها تقریظ نوشته‌اند

روایت‌هایی خواندنی از ارزش‌های دینی و انسانی



■ احمد جوان

چندی پیش بود که خیر نگارش تقریظ رهبر معظم انقلاب بر شش کتاب مرتبط با ادبیات دفاع مقدس رسانه‌ای شد. ایشسان در هفته دفاع مقدس سه جهت تأکید بر ارزش‌های آن دوران، بر مقدس‌سازی با سوز‌های متفاوت تقریظ نوشتند.

اگرچه این کتاب‌ها در شخصیت‌پردازی و بیان وقایع زمانی و تاریخی باهم تفاوت دارد ولی همه در پرداختن به ارزش‌های دینی و انسانی مشترک هستند؛ کتاب‌هایی که با خواندن‌شان دقت‌تری می‌توان راه و رسم بهتر زندگی کردن و به کمال رسیدن را فهمید.

مروری بر این کتاب‌ها، خواننده را بهتر با این آثار و موضوع‌شان آشنا می‌کند.

نگاهی گذرا به این شش کتاب داشته‌ام تا بیشتر با موضوع و ارزش ادبی و معنوی‌شان آشنا شوم.

■ پاییز آمد

نویسنده: گلستان جعفریان

برشی از کتاب: «کفنش غرق خون بود. دو تا دستش قطع شده و فقط از پوست اویزان بود. چشم‌هایش نیمه باز بود، درست مثل زمانی که می‌خوابید. چند بار صدایش کردم. جوابی نداد. با دست تکانش دادم. بهت‌زده بودم.

خرده‌های ترکش روی صورتش مثل ستاره می‌درخشید. حس کردم احمد آرام است. با تمام وجود به حالتش غیبه خوردم.»

درباره کتاب: یک عاشقانه آرام در قلب زنجان؛ روایتی خواندنی از زندگی عاشقانه شهید احمد یوسفی و همسرش فخرالسادات موسوی که خواننده را به روزهای باصفا و پرشور دهه ۶۰ می‌برد.

«پاییز آمد» با پرداختن به جزئیات، اطلاعات کامل و خوبی از شهید یوسفی در اختیار خواننده می‌گذارد و مخاطب را به خوبی با خود همراه می‌کند.

لحن روان و خودمانی کتاب خواننده را به شخصیت‌ها نزدیک می‌کند و سبب می‌شود در لحظات حساس و بحرانی با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند.

■ هواتو دارم

نویسنده: محمدر سول ملاحسنی

برشی از کتاب: «چیزی که برایم خیلی جالب بود این بود که مرتضی تکلیفش با خودش روشن بود. هدفش مشخص بود. می‌دانست از زندگی چه می‌خواهد. برایم خیلی هیجان‌انگیز بود که پسری با این سن و سال بخواهد اینقدر پخته و حساب‌شده حرف بزند. صداقت و اطمینان خاطر را در حرف‌های یک پسر ۲۰ساله می‌دیدم و از همان ابتدا این انرژی مثبت، من را رگرفت و محبت خاصی به مرام، صداقت و سادگی آقا مرتضی پیدا کردم که نه کار داشت، نه سرمایه، نه درسش تمام شده بود، ولی کاملاً شفاف بود، بی‌هیچ شلیه‌پله‌ای.»

درباره کتاب: «هواتو دارم» روایت ۱۲سال از زندگی پریچ

می‌زدم و شرشر عرق می‌ریختم. احساس می‌کردم پوست بدنم چند برابر شده و دارد از شدت گرما درمی‌آید. زیرپوشم را درآوردم و انداختم روی فرغونی پشت سرم. اگر می‌شد، پوست‌تم را هم می‌کندم، باید چه کار می‌کردم؟ چندبار هوا را با صدا دادم توی سینه و نگاهم رفت به سقف...

درباره کتاب: شخصیت اصلی کتاب «عبد زیززمینی» پسری است به نام الیاس که همراه شهید غلامحسین رعیت راهی حفر کانال می‌شود و در جریان حفر کانال، شخصیت این پسر شکل می‌گیرد.

یکی از مزیت‌های این کتاب، پرداخت مثبت و درست سربازان و افسران ارتش در جنگ است. همچنین این کتاب معرف شخصیت شهید «غلامحسین رعیت رکن‌آبادی» نیز هست؛ مثنی یزدی و ساکن قم که تبحر او در حفر کانال باعث می‌شود مورد توجه فرماندهان نظامی در زمان جنگ قرار گیرد.

■ مجید تبریزی

نویسنده: کبری خداپخش‌دقی

برشی از کتاب: «از نجف که پیاده راه افتادم به سمت کربلا، مجید با قافله رفقا بود و نبود. شاعر راست گفته بود: من در میان جمع و دلم جای دیگر است!

۱۰کیلومتر راه بود و به عبارتی هزاروچهارصدوپنجاهوخرده‌ای عمود. مجید تسوی این‌راه دور و دراز، آرام بود و مثل آدم غریب، در افکار خودش دست و پا می‌زد. انگار روی هاشش مهر زده بودند و جز به ضرورت، حرف نمی‌زد؛ سساکت و خاموش و لب دوخته، عینو صدف. گرچه بیرونش آرام و خاموش بود، ولی پیدا بود که درونش، طوفان و تلاطم است. حال مجید تا آخرین عمود و تا خود منزل آخر همین بود، اما همین که پا به حرم کربلا گذاشت و چشمش به بنده ایابعدالله (ع) و بین‌الرحمین افتاد، همان جا روی زمین فرو ریخت. انگار با قامت فروافتاده و زانوسی در بغل، خودش خیمه‌عزا شده بود.»

درباره کتاب: کتاب حاضر از جمله آثار بر مخاطب در حوزه ادبیات مقاومت و خاطرات مدافعان حرم است که به گفته ناشر، تاکنون ۲۱ چاپ از این اثر در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

«مجدید تبریزی» روایتی است از زندگی شهیدی که او را «حر» مدافعان حرم توصیف می‌کنند. نویسنده تلاش کرده است تا اثری داستانی و استفاده از تکنیک‌هایی مانند به کار بردن فلاش‌بک‌ها و شخصیت‌پردازی بر جذابیت خاطرات جدی و لحنش جدی‌تر شسد. نگاهی به چشمان آرام پدر انداخت و گفت: «شاید جنگ حالاحالاها تموم نشده، اما ممکنه من عوض بشم. هیچ تضمینی نیست که پنج سال دیگه، دو سال دیگه که درس من تموم شد، اون موقع هم همین آدم باشم.»

درباره کتاب: شهادت سیدمصطفی موسوی در ۲۰سالگی او را به یکی از جوان‌ترین شهدای مدافع حرم تبدیل کرد؛ یک جوان دهه هفتادی که در سال ۱۳۹۴ در شهر حلب شد. می‌توانست تا ۱۰سال بدون هیچ خرجی بره مکه و حقوق هم بگیره، اما فقط همون سسال اول رفت که حج واجبش بود. سال بعد

مافوقش، حاج آقا فاطمی، با رفتنش مخالفت کرد و گفت حضورش توارش بیشتر لازمه. علی‌هم‌دیگه انصراف داد. حاج آقا فاطمی وقتسئ فهمید خیلی تعجب کرد چطور تونسته از همچین موقعیت لذت‌بخشش بگیره. هر کسی نظری در مورد حرف‌های محمود داد و من با خودم فکر کردم، بعد از هفت سال زندگی با علی، هنوز خیلی چیزها رو نمی‌دونم.»

درباره کتاب: «آخرین فرصت» روایت زندگی سراسر عشق و ایمنان «فرعت قافلان کوهی» و «شهید علی کسایی» است که با مجاری مراسم خواستگاری و ازدواج این شهید خواندنی‌تر می‌شود و در خلال کتاب نیز اتفاق‌های زندگی ساده و عاشقانه خانواده شهید کسایی در شهر شیراز روایت می‌شود.

این کتاب را علاوه بر مرور خاطرات دوران زندگی و رمزندگی شهید علی کسایی، می‌توان تاریخ شفاهی دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق دانست که نویسنده در قالب رمانی جذاب و «همچیمت‌ساده‌رمانستی»، «حترام به والدین»، «عشق به همسر و فرزندان»، «سیر و ایثار»، «توجه به بیت‌العمل و حق‌الناس»، «فت و حیا» و «فداکاری و شهادت» را زیبا و هنرمندانه به تصویر کشیده است.

معنا که تمدن‌ها مراحل مشابهی را طی می‌کنند: از تولد، رشد و شکوفایی تا زوال و سقوط. وی باور دارد که تمدن‌ها به جای اینکه صرفاً بر اثر تهاجم خارجی از بین بروند، معمولاً از درون پوسیده می‌شوند.او اعتقاد دارد که عامل مهم در سقوط تمدن‌ها شکست نخجگان و طبقات حاکم در ارائه پاسخ‌های مناسب به چالش‌ها و از دست دادن خلاقیت اجتماعی و فرهنگی است. یکی از جنبه‌های کلیدی آثار توین‌بی، تأکید او بر نقش دین و معنویت در پویایی تمدن‌هاست. او معتقد بود که فرهنگ‌های بزرگ اغلب با یک هسته معنوی یادینی به شکوفایی می‌رسند، اما وقتی این هسته معنوی تضعیف می‌شود، تمدن در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. این دیدگاه باعث شده است توین‌بی به عنوان یک تاریخ‌نگار نه فقط بر وقایع و مسائل سیاسی، بلکه به عوامل معنوی و فرهنگی نیز تأکید ویژه‌ای داشته باشد. به‌طور کلی «مطالعه تاریخ» یک تحلیل ژرف و فلسفی از تاریخ جهان است که تلاش می‌کند الگوهای مشترک بین تمدن‌های مختلف را شناسایی کند و دلایل اصلی پیشرفت و انحطاط آنها را توضیح دهد. کتاب «مورخ و تاریخ» او دوازده گفت و شنود رادیویی است که در سال ۱۹۷۲ تا ۷۲ در رادیو اروپای آزاد ضبط شده است.

| شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶|

📄 برتبه

سروش صحت چگونه به چهره‌های فعال

در حوزه‌های فرهنگی و هنری تبدیل شد؟

مردی که شانس را روی هوازد و پرواز کرد



■ احمد محمد تبریزی

تا چند روز دیگر فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» اکران می‌شود و نام سروش صحت را بر سردر سینماها می‌بینیم. همچنین برای نامه «کنون» با اجرای صحت که چیزی شبیه «کتاب‌باز» نیز از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود تا علاقه‌مندان‌اش را سر ذوق بیاورد. صحت قبل از این فیلم و برنامه، با نگارش کتاب «ناکسی سواری» و برگزاری کلاس‌های نویسندگی، روزهای شلوغی را سپری می‌کرد و حالا قرار است بر این شلوغی افزوده شود.

■ معجون‌ی از شانس و سختکوشی

اما سروش صحت، چگونه از یک نویسنده سربال‌های تلویزیونی و یک بازیگر معمولی به این جایگاه هنری رسید و توانست تا این حد فعال و محبوب شود؟ بسیاری از کسانی که کارهای صحت را در چند سال اخیر دنبال کرده‌اند، شاید از خودش‌شان پرسیده باشند، چه اتفاقاتی موجب پرش او در عالم هنر شده باشد. برای آنها سوال است در فضایی که چهره‌های زیادی از دایره فعالیت خارج می‌شوند، او چطور توانست نام سروش صحت را به یک برند در سینما و تلویزیون تبدیل کند.

مسیر موفقیت صحت در دنیای هنر، ترکیبی از خوش‌شانسی، استعداد و سختکوشی و پرکاری بوده است. صحت خیلی اتفاقی و از سر شانس در خانه رامین ناصر نصیر با مهران مدبری آشنا شد و توانست ایده‌هایش برای نویسندگی را به او برساند، البته اینجا شانس به تنهایی نقش نداشته است؛ خودش تعریف می‌کند که شانس به در خانه‌ام آمد و اگر من چیزی برای ارائه نداشتم، خیلی راحت خانه‌ام را ترک می‌کرد. او به واسطه نوشتن‌های مداومش، چیزی برای ارائه داشت و وقتی شانس در خانه‌اش را زد، توانست آن را در هوا بزند و خودش را به مهران مدبری نزدیک کند.

صحت اضافه‌شدن به جمع نویسندگان مجموعه «جنگ ۷۷» را چنین شرح می‌دهد: «گروهی که مهران جمع کرده بود، تقریباً سه‌چهار نویسنده داشت. یک روز ۱۵ تا نوشته‌هایم را انتخاب کردم و برای مهران بردم. بعد از اینکه آنها را خواند، شش‌تاش‌ان را پسندید و گفت این شش تا کاراکتر می‌کنیم. از آن روز به بعد من نوشته‌هایم را برای مهران می‌بردم و یکی در میان می‌پسندید و خلاصه این ماجرا ادامه داشت تا اینکه من به پرکارترین نویسنده آن گروه تبدیل شدم.»

■ کتابخوانی و مطالعه بسیار

این خیلی نکته مهمی است که صحت تعریف می‌کند. همیشه بخت، اقبال و شانس به تنهایی راهگشا نیستند و آدم‌ها در کنارش باید سختکوشی و استعداد لازم را هم داشته باشند. اگر روزی که صحت مدبری را ملاقات کرد و چیزی برای ارائه نداشت، هیچ وقت نمی‌توانست به عنوان نویسنده با او همکاری کند.

وقتی شما شانس، استعداد و سختکوشی را دارید، باید فکری برای پیشرفت و بهترشدن کارتان انجام دهید. این اتفاق دیگری بود که برای صحت افتاد. او آدمی اهل مطالعه و به قول خودش خوره کتاب است. او در مقاطعی زیاد خواند و از همه مهم‌تر کتاب‌های خوب مطالعه کرد و اثرش را چند سال بعد در کارهایش دید. صحت برای سال‌های زیادی پای ثابت کتابخانه ملی بود و ساعت‌های زیادی را به خواندن می‌گذراند.

درست از همان سال‌ها به بعد، آثار صحت بهتر و باکیفیت‌تر می‌شود و موفقیت برنامه‌های مثل «کتاب‌باز» هم به همان سال‌ها برمی‌گردد. دهه ۹۰ اوج شکوفایی و رشد این بازیگر و نویسنده است. او با سربال‌هایی مثل «ساختمان بزشکان»، «بیزمان» و «لیسانسه‌ها» نام خودش را به عنوان کارگردانی صاحب سبک و طنز مطرح کرد و در نبود افرادی مثل رضا عطاران و مهران مدبری، به مرد شماره یک سربال‌های طنز تلویزیون تبدیل شد.



■ موفقیت در سینما

صحت کمی دیر و باطمینانه برای کارگردانی وارد سینما شد. شاید خودش می‌خواست به آن پختگی لازم در کار هنری برسد، بعد وارد سینما شود. به هر حال سینما نسبت به تلویزیون مخاطبان سنگین‌تر و حرفه‌ای‌تری دارد و فیلمساز برای اثبات خودش باید اثری درخور تولید کند.

صحت با «جهان با من برقص» قدم اولش را خیلی محکم برداشت. او فیلمی متفاوت و محترم با سوز و نگاهی متفاوت نسبت به دیگر فیلم‌ها کارگردانی کرد و تأیید و تحسین‌های زیادی گرفت. نگاه‌خاص او به موضوعاتی مثل مرگ و دوستی، «جهان با من برقص» را به فیلمی دوست‌داشتنی برای سینمادوستان تبدیل کرد.

او در «صبحانه با زرافه‌ها» نیز همان فانتزی مخصوص خودش را وارد داستان کرد و باز هم حول محور دوستی، رفقت، گذشت و بخشایش فیلم ساخت. این فیلم در سینمای ایران فیلمی متفاوت به شمار می‌رود که فقط کسی مثل صحت با آن ذهن و خلاقیت توان خلق کردنش را دارد.

صحت با فیلم‌های سینمایی‌اش نشان داده به آن پختگی لازم برای فیلمسازی رسیده است و حرف‌های مهمی برای گفتن دارد. او مثل سال‌های جوانی‌اش همچنان پرکار و با مطالعه است و دقیقاً همین ویژگی‌ها وی را از دیگران متمایز می‌کند.

■ خوش‌شانسی همه چیز نیست

این نویسنده و کارگردان جایی گفته بود برای موفقیت سه راه بیشتر نیست: «با باید یک پارتنری خیلی کلفت پیدا کنی؛ د یا اینکه خیلی حرفه‌ای کار کنی؛ و یا تلاش و زحمت و هزار تا در دسر جورواجور و یک عمر خاک خوردن، شاید آخر‌های عمرتان بتوانید به یک جاهایی برسید یا اینکه خیلی خوش‌شانس باشید. من خودم سومینش بودم، خیلی خیلی خوششانس بودم.»

در این جمله صحت همان طنز مخصوص به خودش وجود دارد. قطعاً بساری موفقیت به خوش‌شانسی نیاز است ولی برای همیشه در اوج ماندن و موفقیت کافی نیست. برای سروش صحت، مهم‌تر از خوش‌شانسی این پرکاری و سختکوشی بود که او را در تمام این سال‌ها رو به جلو حرکت داد. او برای سال‌های زیادی، بسیار خواند و بسیار نوشت و توانست خودش را از یک هنرمند معمولی به چهره‌ای شاخص و درجه‌حد در حوزه‌اش تبدیل کند.

حالا او در هر حوزه‌ای باشد، نامش یک اعتبار به حساب می‌آید؛ می‌خواهد در تلویزیون و نمایش خانگی باشد یا در نویسندگی و فیلمسازی. سروش صحت الگوی خوبی است برای پیشرفت و موفقیت، او نشان داد موفقیت به سادگی به دست نمی‌آید و برای رسیدن به آن به چیزی بیشتر از شانس نیاز است.